

فرخنده‌ترین اشعار فرخی یزدی

عشق و علاقه‌ای که وی به فرخی یزدی این سخنور پاکباخته و آزاده ایران زمین پیدا کرده او را بر آن داشته که این دو کتاب را نیز در این باره چاپ و منتشر کند و به دلیل همزمانی چاپ و نشر آن یکجا معرفی می‌شود.

برهنه چون شمشیر ، گزیده اشعار فرخی یزدی ، پژوهش و نگارش: غلامرضا محمدی «کوبیر» یزد: اندیشمندان یزد و عطیه آسمانی ، ۱۳۸۳ ، رقعی ، ۱۶۰ ص .

تاکنون گزیده‌های چندی از اشعار فرخی یزدی این شاعر نام‌آشنای دوره بیداری ، از سال ۱۳۰۶ تاکنون چاپ شده که مهم‌ترین آنها بنا به بررسی نگارنده به قرار زیر است:

□ **بهترین اشعار فرخی یزدی** ، تهران: ستاره ، ۱۳۳۳ ، جیبی ، ۶۳ ص .

□ **بهترین اشعار فرخی یزدی** ، تهران:؟ ، ۱۳۳۱ ، جیبی ، ۶۴ ص .

□ **در طلب آزادی** ، به کوشش و انتخاب: فیض علی نجمانف ، دوشنبه تاجیکستان: عرفان ، ۱۹۸۰ ، جیبی ، ۱۳۸ ص .

□ **غزلیات فرخی یزدی** ، لنینگراد، [حدود ۱۳۰۶ ش.]. (یادداشت‌های زندان: جعفر پیشه‌وری: ۶).

□ **فرخی یزدی** ، شاعر آزاده‌ای که دهانش را دوختند ، به

رویکردی که در این چند ساله به ویژه پس از برگزاری کنگره بزرگداشت فرخی یزدی در یزد (اسفند ۱۳۷۸) نسبت به آثار فرخی یزدی شده ، بسیار چشمگیر است تا آنجا که از آن تاریخ تاکنون چندین کتاب به نام‌های: **شاعر لب دوخته** (تألیف غلامرضا محمدی و حسین مسرت) ، **کتابشناسی فرخی یزدی** (حسین مسرت) ، **دیوان فرخی یزدی** (به کوشش حسین مسرت ، چاپ اول و دوم) ، **فرهنگ موضوعی غزل‌های فرخی یزدی** (مهشید مشیری) ، **فرخی یزدی سرانجام یک رؤیای سیاسی** (رضا آذری شهرضایی) و ده‌ها مقاله درباره فرخی در گردآوری ، نقد و تحلیل زندگی ، آثار و اشعار او انجام شده است . اخیراً (اردیبهشت ۸۴) نیز دو کتاب به نام‌های: **برهنه چون شمشیر** (گزیده اشعار فرخی یزدی) و **فرهنگ لغات ، اصطلاحات اشعار فرخی یزدی** هر دو به کوشش آقای غلامرضا محمدی چاپ و منتشر شده است که تا حدی جبران سکوت سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۷ را می‌نماید .

غلامرضا محمدی (کوبیر) از شاعران معاصر یزد و خود رئیس شورای شعر و ادب استان یزد بوده که چندین سال پیش مجموعه اشعار خود را با نام «از عطش لبریز» در سال ۱۳۷۳ چاپ کرد . وی پیش از این پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری خود را نیز به موضوع زندگی و آثار فرخی یزدی اختصاص داده بود و چنانکه اشاره شد به همراهی نگارنده کتاب «شاعر لب دوخته» را در سال ۱۳۷۸ چاپ و منتشر نمود .



چنانکه روشن است ، هر گزیده گر بنا بر ذوق ، سلیقه و دیدگاه اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی خود دست به گزینش اشعار فرخی یزدی زده است . برخی نیز تابع شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه ناچار به گزینش اشعاری شده‌اند که به هر حال اجازه چاپ بگیرد ، مانند گزیده‌هایی که پس از سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ چاپ شده است . پس از سال ۱۳۴۰ هم که اجازه هیچ گزیده‌ای داده نشد مگر چاپ چند شعر عاشقانه و غیرسیاسی از او در جنگ‌ها و تذکره‌ها . با این حال در بررسی آماری بسامدی اشعار فرخی که توسط نگارنده این سطور انجام شده ، روشن شده که برخی اشعار وی مانند غزل‌هایی به مطلع:

شب چو در بستم و مست از می نابش کردم

ماه اگر حلقه به در کوفت ، جوابش کردم

(دیوان: ۱۹۰)

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود زجان شستم از برای آزادی

(دیوان: ۲۲۹)

به ترتیب در ۱۰۰ و ۵۴ گزیده ، جنگ و تذکره وارد شده و برخی غزل‌ها و رباعی‌ها حتی یک بار گزینش نشده است .

حاصل بررسی این آمار و دخیل شدن برخی نظرها نگارنده را بر آن داشت که در پایان کتاب خود به نام «پیشوای آزادی» که در سال ۱۳۸۴ توسط نشر ثالث چاپ می‌شود ، از مجموع ۲۳۷ غزل و ۲۸۴ رباعی فرخی ،

کوشش: [حسین خواجه رضایی ، یزد: کانون انتشارات جوادیه ، ۱۳۵۷] ، ۵۳ ص . (گزیده اشعار فرخی است) .

□ **کوچه آشوب** (گزیده اشعار فرخی یزدی) ، به کوشش: حسین مسرت ، تهران ، قطره ، ۱۳۸۴ (در دست چاپ) .

□ **گزیده‌ای از دیوان فرخی یزدی** (فارسی - انگلیسی) ترجمه: علاءالدین بازارگادی ، تهران: رهنما ، ۱۳۸۱ ، وزیری ، ۶۲۴ ص .

□ [گزیده] **دیوان فرخی یزدی** ، به کوشش: احمد حسینی کازرونی ، تهران: ارمغان ، ۱۳۷۸ ، وزیری ، ۹۵ ص .

□ **گلچینی از دیوان فرخی یزدی** ، به کوشش: ا. ع [اصغر عبداللهی ، تهران . صائب ، بی تا ، جیبی ، ۱۶۰ ص] .

□ **منتخبات اشعار فرخی یزدی** ، گزینش: حسین مکی ، تهران: بی تا ، ۱۳۲۰ رقی ، ۵۹ ص .

□ **منتخبی از اشعار فرخی یزدی** ، به کوشش: احمدعلمی ، با مقدمه: ر. ج. ن [محمدرضا جلالی نائینی] ، [تهران]: علمی ، ۱۳۳۰ ، ۵۹ ص .

□ **منتخبی از بهترین اشعار و غزلیات فرخی یزدی** ، گزینش: ج. مراد ، تهران: تخت جمشید ، بی تا ، جیبی ، ۸۰ ص / چاپ بعدی ، بی تا ، ۱۳۳۶ ، جیبی ، ۸۰ ص .

□ **منتخبی از غزلیات و رباعیات فرخی یزدی** ، تهران: عطایی ، ۱۳۳۸ ، جیبی ، ۹۶ ص .

۷۱ غزل و ۵۲ رباعی و ۱۱ شعر دیگر را برگزیند و چاپ کند.

اما نام کتاب «برهنه چون شمشیر» برگرفته از این بیت فرخی است که می‌گوید:

جز خون نخورم زدست هر دشمن و دوست

در معرکه چون برهنه شمشیر منم

(دیوان ۳۷۹)

غلامرضا محمدی برخلاف دیگر گزیده‌گران که پس از شرحی کوتاه و چند صفحه‌ای درباره صاحب اشعار بدون هرگونه شرح و توضیحی به نقل اشعار منتخب می‌پردازند، پس از پیشگفتار که اشاره به زندگی طوفانی فرخی دارد، مقدمه‌هایی دراز دامن را در آغاز کتاب خود تبارک دیده که خواننده را با چند و چون آثار و اشعار فرخی آشنا می‌کند. این دو مقدمه به دو مقوله مهم می‌پردازد:

الف: جایگاه فرخی یزدی در ادب معاصر

مؤلف در این فصل بر اساس منابع مکتوب در زمینه تاریخ و نقد ادبیات معاصر به تحلیل جایگاه فرخی پرداخته است، وی نخست به زمانه او اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ظهور فرخی یزدی مقارن با دوره‌ای است که بی‌کفایتی مدیران، هرج و مرج ایلات، خودکامگی زمامداران، زورمناری قلدران، زورمناری طبقه به اصطلاح بورژوا، غوغاسالاری اوباش، و خشونت‌های بدفرجام حکام و امرای قاجار از یک سو و به تعاقب آن ستم‌ها و بی‌رحمی‌های نظامی دیکتاتوری نشأت گرفته از سيطرة استبداد پس از کودتای نامیمون اسفند ۱۲۹۹، چنان کابوسی پر تالم سایه تاریک و پر ادبار خود را بر زمان و زمین ایران مظلوم آن روزگار به تمام معنی خود گسترده بود. در دوران این دوران تباه و تاریک، تمامی محبس‌های رسمی و غیررسمی ایران زمین آکنده از بخت‌برگستگانی بود که جرمی جز گفتن کلمه حق و استیفای حقوق مظلومان را نداشتند»^۱

مؤلف پس از مقایسه فرخی با دیگر معاصرانش مانند نسیم شمال، بهار و عشقی، نقطه قوت و امتیاز او را در این می‌داند که «آنچه که شعرش را در دیده‌ها می‌نمایاند و خود او را به نام شاعری شهید برهم سنگرانش برتری می‌نهد، یکی جهان‌بینی پایدار، اعتلای روحی و منش و مشی سیاسی، اجتماعی و پرخاش شخصی او علیه بیداد صعب زمانه است و یکی هم صبغه صرف اجتماعی و مردمی بودن شعر اوست»^۲.
سپس ذیل «سبک سخن‌سرایی فرخی» با ذکر نمونه و شواهدی از متن دیوان وی^۳ به نقش فرخی در اوج شکوه و تحول شعر دوره بیداری می‌پردازد: «فرخی یزدی نیز در کشاکش این دوران پر فتن، با آن روحیه انقلابی و مزاج اخگرسان، گستاخ و بی‌پروا، افکار و اندیشه‌های ناب انقلابی و سیاسی خود را بدون ترس و بیم به زبان قلم می‌سپرد و در

سروده‌های خویش متجلی می‌ساخت. سروده‌های گوناگون او را عموماً اشعار اجتماعی و وطنیات تشکیل می‌دهد. محتوای شعر او نه عشق و ارادت به خط و خال مه پیکران، بلکه سیاست و مسائل حاد اجتماعی است»^۴.

ب. صور خیال در شعر فرخی یزدی

هر چند فرخی به دلیل مشغله‌های زیاد اجتماعی، سیاسی و درگیری و زندان رفتن‌ها و پرداختن به شعر به مفهوم حقیقی و ایفای رسالت راستین شاعری، فرصت پرداختن به هنرنمایی‌ها و تفنن‌های شاعرانه را نداشته است اما به دلیل توانمندی او در انواع شعر فارسی و تسلطی که با ظرایف شعر و شاعری داشت، گهگاه که آرامشی می‌یافت به بازتاب آرایه‌های بدیعی، بیانی و بلاغی در اشعار خود می‌پرداخت. به حدی که حتی مواردی بسیار بدیع، نو و ابتکاری همراه با واژگان و عبارات منحصری در شعر او دیده می‌شود که هیچ‌گونه شاهدهی در ادبیات فارسی گذشته و معاصر ندارد. (در این باره می‌توان به فرهنگ لغات و اصطلاحات اشعار فرخی یزدی رجوع کرد).

مؤلف مهم‌ترین آرایه‌های ادبی شعر فرخی را تشبیه و جناس دانسته و شواهدی را نقل کرده و سپس چند شاهد نیز از دیگر آرایه‌های بدیعی مانند: واج‌آرایی، ایهام، تلمیح، رنگ‌آمیزی و غیره آورده است.
اما بهترین کار گزیده‌گر این مجموعه، تقسیم‌بندی اشعار فرخی در هشت مقوله: عاشقانه‌ها، چکامه‌های آزادی، سروده‌های مردمی، ترانه‌های مرغ طوفان، سروده‌های میهنی، زندان سروده‌ها، سایر اشعار و رباعیات است.

دیگر امتیاز این گزیده نسبت به گزیده‌هایی که تاکنون از فرخی و یا دیگر شاعران زبان فارسی چاپ شده است، نخست موضوعی بودن آن و سپس درآمدی در توضیح و تحلیل هر مقوله است. وی در این درآمد به تحلیل موضوع و چگونگی بازتاب آن در شعر فرخی (فقط غزل) می‌پردازد. مثلاً ذیل سروده‌های مردمی آورده است: «دوران فرخی، دوران رواج و رونق اندیشه‌های عدالت‌طلبانه بود... در شعر فرخی، حمله مالک به دهقان، یادآور حمله گرگ به آهو است. طبیعت، قوانین بی‌رحمانه‌ای دارد که شب‌نم را اسیر جور آفتاب کرده و توده زحمتکش مانند کبوتر در چنگال باز شکاری مانده است. از سویی دیگر شعر و جهان‌بینی فرخی تقابل‌های بی‌شماری را از روزگار صدر مشروطه ضبط کرده است: تقابل میان کارگر و کارفرما، دولت و کارگر، زمیندار و کشاورز، اشراف و پابرهنگان، «مشتی سیر» و «یک جهان گرسنه»، او حتی روزگار را به شکل سرمایه‌داری جفاکار می‌دید.

فرخی مخترع از اینکه غنی‌زاده نبوده است. بر این باور است که دنیا به همه تعلق دارد. او از اینکه ثروت مردم جهان در اختیار سرمایه‌دار و

مالک مانده است، ناراضی است. همچنین معتقد است که ثروت دنیا همه را غنی می‌سازد و آرزو دارد که روزی شاهد برقراری مساوات در جهان باشد. این اعتقاد او را بر آن می‌دارد که با تحریک توده‌ها به امید روزی باشد که داس دهقان بر سر ارباب، کارگر آید، دنیا به کام دهقان و کارگر شود. پس چاره‌ای جز انقلاب و جنگ صنفی نمی‌بیند.^۵ مؤلف سپس برای اثبات مدعای خود برجسته‌ترین غزلیاتی را که بازگوینده این طرز فکر او است در پیش روی خواننده قرار می‌دهد.



چند نکته گفتنی

* کتاب چهارمین دفتر از گزیده ادبیات یزد، منتشر شده از سوی مؤسسه فرهنگی هنری عطیه آسمانی است. امید که دیگر دفترهای آن نیز چاپ شود. اما در داخل کتاب شماره فروست آن عدد ۳ است.

* ذیل «جایگاه فرخی در ادبیات معاصر» مؤلف می‌آورد: «از آنجا که در بخش‌های بعدی این مبحث درباره فرخی و شعر او به تفصیل سخن خواهیم گفت لذا این مقدمه را در همین جا به پایان آورده و از سبک سخن سرایی او سخن سر می‌کنیم.»^۶

اما تنها به مقوله اول یعنی سبک سخن سرایی پرداخته و از دیگر مباحث خبری نیست.

* مؤلف تنها غزلیات فرخی را موضوعی کرده و از داخل نمودن دیگر اشعار به ویژه رباعیات او که شهرتی بسزا در ادبیات معاصر دارد،

در ردیف موضوعات خودداری کرده است.

همگان می‌دانند که نام‌آوری فرخی در ادبیات معاصر ایران پس از اشتها به سرودن غزلیات سیاسی، توانایی در سرودن رباعیات سیاسی است. رباعیاتی که هر روزه بر پیشانی روزنامه **طوفان** نقش می‌بست؛ آبی بود در خوابگاه مورچگان و خاری بود در چشم دشمنان مردم.

* هرچند گزیده‌گر اشاره نموده است که اشعار از **دیوان فرخی** به کوشش حسین مسرت (چاپ دوم ۱۳۸۱) برگرفته، اما برای آشنایی با توضیحات تاریخی، مناسبت سرودن این اشعار بهتر آن بود شماره صفحه دیوان را نیز در پایین اشعار می‌آورد.

* چاپ عکسی از فرخی در روی جلد یا آغاز کتاب بسیار بایسته بود.

* مؤلف می‌توانست در دیباچه به این موضوع نیز اشاره کند که از سال ۱۳۰۶ تاکنون گزیده‌های چندی چاپ شده و انگیزه و ضرورت تکرار این کار را گوشزد می‌نمود.

فرهنگ لغات و اصطلاحات اشعار فرخی یزدی؛ غلامرضا

محمدی، یزد، اندیشمندان یزد، ۱۳۸۳، وزیری، ۵۱۹ ص.

فرهنگ اشعار شاعران نام آشنا و صاحب سبک ادبیات فارسی، در پیچه‌ای است روشن بر شناخت سبک، شیوه، افکار و توانمندی آنان در شکار واژگان ناب و با ساخت ترکیبات زیبا، زلال و چشمگیر از گنجینه شایگان زبان و ادب پارسی.

در چند دهه اخیر خوشبختانه به همت دانش‌پژوهان و اهل ادب، فرهنگ اشعار سخنوران توانمندی چون: صائب تبریزی (احمد گلچین معانی)، حافظ (حسین خدیوچم، احمدعلی رجایی، ابوالفضل مصفی، مهین دخت صدیقیان و...) خاقانی شروانی (علی اردلان جوان، سیدضیاءالدین سجادی) عطار نیشابوری (رضا اشرف‌زاده، سهیلا صارمی و...) مولوی (صادق گوهرین، عبدالرضا علوی و...) فردوسی (حسین شهیدی مازندرانی، عبدالحسین نوشین، محمود زنجانی، منصور رستگار فسایی و...) چاپ شده و درباره برخی شاعران، مجموعه‌هایی با همان هدف با عنوان شرح و تفسیر گردآمده، اما درباره بسیاری از شاعران نامور هیچ کار جدی‌ای چاپ و نشر نشده است.

تا آنجا که نگارنده از خلال فهرست پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های کشور بررسی نموده به همت و عنایت بسیاری از استادان دانشگاه‌ها فرهنگ اشعار، نواذر لغات، ترکیبات، تعبیرات، تلمیحات و کنایات بسیاری از شاعران در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری توسط دانشجویان علاقه‌مند تهیه شده که بسیاری از آنها فقط در گنجینه‌های دانشکده‌های ادبیات یافت می‌شود و هیچ اقدامی برای چاپ آن صورت نگرفته است.

اخیراً و به همت یکی از شعرای یزد، فرهنگ اشعار فرخی یزدی چاپ شده است. فرخی با توجه به استعداد ذاتی و کسب دانش‌های ابتدایی

روز و سپس آشنایی با دیوان سخنورانی چون: مسعود سعد سلمان، سعدی، حافظ و برخی قدما که نشانه‌هایی از تأثیرات آنها در دیوان اشعار وی دیده می‌شود، تسلط خوبی به ظرایف و نکات ادبی و نیز گنجینه واژگان زبان پارسی داشت، از این رو نه تنها در **دیوان اشعار** او هزاران واژه و اصطلاح ناب دیده می‌شود، بلکه با توجه به شناختی که از انعطاف‌پذیری و ساختار زبان فارسی داشت، صدها، ترکیب و تعبیر نادر در شعر او دیده می‌شود که در زبان و ادب این مرز و بوم مصداقی ندارد و یقیناً باید او را پیشگام و پیشرو در پردازش چنین عبارات و ترکیبات دانست.

نیز با توجه به توانایی‌ای که داشت بسیار واژه و ترکیبات عامیانه و بازاری را به استادی و زیبایی در شعر خود وارد نمود که بعدها به وسیله دیگر سخنوران بهره برده شده است و برخی از این موارد را حتی دیگر شاعران نتوانستند چون او در خدمت شعر خود قرار دهند.

شاید اگر سال‌ها پیش واژه‌ها و ترکیبات عامیانه شعر فرخی استخراج شده بود، بسیاری از فرهنگ‌های عامیانه موجود، مداخل مستقلاً فقط از او داشتند و یا ذیل برخی مدخل‌ها، مانند: لات و لوت (دیوان: ۷۹) دست از جان برداشتن (ص ۱۶۷) مشت بر دهان زدن (ص ۲۸۳) مسئله حل شدن (ص ۱۶۹)، سوسیالیست مآب (ص ۳۶۸) ... تنها شعر او را به عنوان شاهد برمی‌گزینند.

در دیباچه‌ای که به قلم نگارنده (البته بدون نام) در آغاز این کتاب، رقم خورده، چنین آمده است:

«فرخی یزدی را به دلیل توانمندی‌هایی که در عرصه شعر به ویژه غزل از خود بروز داده بود، به تعبیر استاد گرامی دکتر شفیعی کدکنی، «سرآمد غزلسرایان سیاسی عصر» برشمرده‌اند. فرخی به چنان درک و شناختی از به کارگیری اصطلاحات و تعبیرات نوین در غزل سیاسی دست یافته بود که غزل‌هایش در عین روانی و زلالی، سهل‌ممتنع به نظر می‌آمد. از این رو جای آن داشت که صاحب همتی به شکار واژگان و اصطلاحات ناب فرخی دست زند که کتاب حاضر دستاورد این پشتکار است. از این رو با شناختی که از این سخنور توانا در زمینه شعر و نثر در دست است می‌توان امیدوار بود که در آینده تحقیقات ارزنده و دامنه‌داری درباره سبک و شیوه تعبیرات، ترکیبات و صور خیال در شعر وی ... و ده‌ها کار دیگر صورت گیرد».^۷

پیش از این تنها یک کار مستقل با نام «فرهنگ موضوعی غزل‌های فرخی یزدی» تألیف مهشید مشیری چاپ شده بود که فقط ذیل تعداد محدودی واژه، ابیاتی را به گواه آورده بوده و دیگر هیچ، نه توضیحی، نه تشریحی و نه تفسیری (ر. ک. **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، ش ۴۹): اکنون به همت غلامرضا محمدی (کوپر) «فرهنگ لغات و اصطلاحات اشعار فرخی یزدی» استخراج شده و با توضیحات بایسته خود کار را بر فرهنگ‌نویسان پارسی و عامیانه آسان نموده است.

کتاب در چند بخش به ترتیب زیر سامان یافته است:

۱- پیشگفتار (یازده - شانزده)

مؤلف در اینجا به چند مبحث پرداخته است: الف. زندگی، ب. آثار، پ. انگیزه تدوین فرهنگ اشعار فرخی یزدی.

وی بر این باور است که: «ادبیات آینه زمان است و سخن فرخی هم صدای عصر مشروطه است. با تمام ویژگی‌های خاص آن عهد. شعر فرخی، شعر شمع و گل و پروانه نیست، شعر خط و خال و لب لعل و زلف معشوق نیست. اگر معشوقی هم در کار باشد، آزادی، وطن، قانون و عدالت است. رنگی از دربارها و کوشک‌ها ندارد. بلکه به رنگ درد و داغ محرومان و رنجبران و زحمتکشان، به زبان کوچه و بازار است. حتی از تصوف و عرفان هم در آن چندان خبری نیست، گرایش به دموکراسی و پارلمان، آزادی و تمدن، صنعت، انقلاب، تکنولوژی و علوم روز است.»^۸ و در ادامه می‌آورد: «فرخی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و بی‌باک و تحلیل‌گری روشن‌بین بود و اصطلاحات خاص خودش را در شعرهایش هم به کار برده است. یزدی بودن او هم موجب شده که گاه واژه‌های اصیل محلی نیز به آثارش راه یابد. بنابراین واژه‌شناسی و بررسی لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان او با توجه به آنچه گفته شد، قابل توجه و جای کار دارد و تدوین چنین کتابی می‌تواند به شناخت و درک بیشتر آثار و افکار او کمک کند.»^۹

سپس در پیشگفتار به چند مورد اشاره می‌کند:

■ واژه‌ها و اصطلاحات صرفاً مربوط به اشعار فرخی است و نه آثار منتور او که عمدتاً در سرمقاله‌های طوفان بازتاب دارد.

■ برای هر واژه و ترکیب، شواهدی از دیوانی که به کوشش حسین مسرت (تهران: قطره، چاپ دوم ۱۳۸۱) تدوین شده، برگرفته شده است.

۲- سالشمار زندگی فرخی یزدی

گردآورنده در پیشگفتار کتاب، هدف از درج آن را چنین بیان داشته است: «اگرچه کتب متعددی در شرح احوال و افکار فرخی یزدی نگاشته شده است. و این اثر به این کار نمی‌پردازد. اما برای آگاهی خوانندگان عزیز، سالشمار [و روزشمار] زندگی فرخی را به نقل از دیوان فرخی یزدی، به کوشش حسین مسرت در ابتدای کتاب آوردیم تا خلاصه‌ای از روزگار او مشخص شود».^{۱۰}

۳- فرهنگ لغات و اصطلاحات اشعار فرخی یزدی

گردآورنده پس از پی بردن به اهمیت اشعار و جایگاه فرخی در ادبیات معاصر به استخراج لغات و اصطلاحات به ترتیب حروف الفبا از خلال آخرین چاپ او دست زده و هر چند به تعداد آن اشاره نکرده است. اما با یک حساب سرانگشتی، باید بیش از دو هزار واژه و ترکیب باشد. بعضاً در این کتاب تعبیرات، امثال و کنایات هم آمده است.

واژه‌ها، تمام اعراب‌گذاری شده، اما آوانویسی نشده است و برای هر مورد شواهدی از متن دیوان (با همان ضبط و علائم سجاوندی) و با

ذکر صفحه آورده است. هدف از این کار راهنمایی خواننده به متن دیوان است تا چنانچه خواست بیشتر به کم و کیف این شعر و یا این عبارت دست یابد، بدان جا رجوع کند.

تعداد ابیات شاهد ذیل هر مورد به حداکثر پنج بیت می‌رسد. روشن است که در این مورد گردآورنده تعمداً به چنین کاری دست زده است. زیرا مثلاً ذیل واژه‌های پر بسامدی همچون: آزادی، کارگر، رنج، اندیشه، خون، انقلاب، استبداد، ظالم، مظلوم و حق، شاید ده‌ها بیت دیگر فراچنگ آید که حجم کتاب را به چندین برابر این می‌رساند.



شوم: (آدم بد کردار و نحس)
رفت اگر آن شوم، این مرحوم آمد روی کار
الحق این روز عزا، کم زان شب آدینه نیست
(دیوان: ۱۱۱)

نگاهی به کتابنامه کتاب، گویای زحمات مؤلف برای پی‌جویی معانی واژه‌ها و ترکیبات از بین ده‌ها کتاب فرهنگ لغات و غیره است. نکته بسیار قابل درنگ انحصاری بودن برخی ترکیبات مانند: سلطانی کردن (دیوان ۱۵۴) سرمایه‌دار تازه چرخ (ص ۷۹). به روز خود نشاندن (ص ۷۴). به خون نشستن (ص ۱۸۷) و غیره و یافت نشدن توضیحی برای آن از خلال فرهنگ‌های رایج و تخصصی در حوزه ادبیات است، چنانکه به یقین می‌توان گفت آن ترکیبات همچنان از آن فرخی یزدی است.

چند نکته گفتنی:

- ۱- بهتر آن بود که حداقل واژه‌ها، آوانویسی می‌شد.
- ۲- نام تصویرگر چهره فرخی یزدی، یعنی علی اصغر بستان افروز یزدی در آغاز کتاب نیامده است.
- ۳- چون اشعار شاهد از طریق سیستم جست‌وجوی کامپیوتری استخراج شده است، بعضاً ذیل برخی واژه‌ها، برخی ابیات منسوب به فرخی از بخش اشعار منسوب آمده است. مانند این بیت از ابوالقاسم لاهوتی که ذیل واژه ظالم (ص ۳۳۷) آمده است:
نازم آن زمان که به نیروی پتک و داس
ملت نهد به گردن ظالم طناب سرخ

پانویست‌ها:

۱. کتاب حاضر، ص ۱۶.
۲. همان، ص ۱۸.
۳. فرخی یزدی، محمد: دیوان فرخی یزدی، به کوشش: حسین مسرت، تهران: قطره، [چاپ دوم]، ۱۳۸۱.
۴. کتاب حاضر، ص ۲۱.
۵. کتاب حاضر، ص ۸۳.
۶. همان: ص ۱۸.
۷. دیباچه کتاب حاضر، ص نه.
۸. همان، ص چهارده.
۹. همان، ص پانزده.
۱۰. همان، ص شانزده.

چنانکه روشن است مؤلف زمان زیادی را صرف استخراج موارد گفته شده کرده است و بی‌گمان با غور و فرصت بیشتری می‌شد، ده‌ها واژه، ترکیب و تعبیر را از خلال اشعار درآورد، مانند:

ملت جم: (مردم ایران):

مجلس ما را هر آن که دید، به دل گفت:

ملت جم، حسن انتخاب ندارد

(دیوان: ۱۲۶)

عذر تقصیر: (پوزش از برخورد به دلیل اجرای وظیفه)

عذر تقصیر همی خواهد و گوید مأمور:

کاین جنایت حسب الامر همایون باشد

(دیوان: ۱۴۰)